

## لطفاً زمین و زمان را خصم نیندازید!

ناصر ایرانیپور

رفیق رحمان پناه،

مقاله "آزموده را آزمودن خطاست" را از شما مطالعه نمودم و باید اقرار کنم که مرا ابتدا بسیار مأیوس نمود. از خود پرسیدم که آیا می‌شود سرنوشت مردم را دست شما "رهبران" گرانمایه داد، حال که ظرفیت پذیرش نزدیکترین رفیق و همسنگر خود را ندارید. اما سپس به خود امید دادم که یقیناً اعضای دیگر این تشکیلات و به ویژه مخاطبان شما در خود حزب چنین رویکردی ندارند.

دوست عزیز، همانطور که مستحضر هستید، بنده قبلاً به صراحت گفته‌ام که ره و مسلک و هدف برگزیده شده رفقای "فراکسیون" را قابل پذیرش می‌دانم و علی‌الخصوص خوشحالم از اینکه - به استثنای یک مورد - در دام شانتاژ و جوسازی نیافتاده‌اند. آنها تلاش می‌کنند رسم و رسوم دیگری را جایگزین فرهنگ غیرمتساهل مسلط بر تشکیلاتشان نمایند؛ آنها اهداف خود را - تا اندازه‌ای - شفاف فرموله کرده‌اند، دنبال بهانه‌جویی نیستند و تاکنون تلاش نموده‌اند، به اهداف خود نه به شیوه انشعاب و انشقاق که به گونه و از راه مبارزه فکری درون تشکیلاتی نیل آیند. و این آن چیزی است که شما را دچار آشفتگی نموده است، چون نمی‌دانید چگونه با آن تعامل کنید (امیدوارم صراحت کلام بنده را حمل بر بی‌ادبی ننمائید).

من بعنوان انسان علاقمند به سرنوشت این تشکیلات امیدوارم که شما متد برخورد خود را تغییر دهید. دقت کنید که این دفاع شما از وحدت حزبی از گونه دفاع شوونیستهای به قول شما "ایرانی" از وحدت و یکپارچگی و تمامیت ارضی ایران است. مطمئن باشید که موفقیت شما در حفظ وحدت حزبی بیشتر از موفقیت آنها در حفظ وحدت ارضی نخواهد بود.

امید می‌رود که رفقای "فراکسیون" نیز

(۱) با متانت بیشتر راه برگزیده را ادامه دهند و

(۲) راه را برای همکاری با بخشهای دیگر کومه‌له و با مستقلین سابقاً کومه‌له‌ای هموار سازند.

آنها نه دشمن همدیگر که حتی رقیب همدیگر نیز بشمار نمی‌روند. حال که روند ناخوشایند رویدادها آنها را در ظرفهای متعدد، اما مشابه و هم‌هدف تشکیلاتی قرار داده است، نباید این امر آنها را از همفکری و همیاری و رفاقت سیاسی و شخصی باز دارد.

خواهش من هم از شما رفیق حسن رحمان پناه نیز این است که تلاش کنید از تئوری توطئه و خط و نشان کشیدن‌ها برای رفقای خود دوری جوئید، این چنین آنها را بطور مصنوعی در صف دشمنان خود قرار ندهید. برای من قابل فهم نیست که حالا که این رفقا به "رهبر" بودن شما راضی هستند و می‌خواهند با شما در یک تشکیلات باشند، شما چه مشکلی می‌توانید داشته باشید؟ همیشه برعکس بوده است؛ اقلیتی بهانه‌جویی نموده و دنبال مترصدی برای انشعاب. و این اکثریت و یا "رهبری" بوده که پیوسته ناز آنها را کشیده و حتی امتیاز داده که جدا نشوند، درحالی‌که شما آنها را تشویق (و ظاهراً مجبور) به انشعاب می‌کنید، البته چنانچه قبلاً مشمول تصفیة شما قرار نگیرند.

شما به تقسیم کار ادعایی در بین مخاطبان خود اشاره فرموده‌اید. اما چنین به نظر می‌رسد که شما نیز از همچون موهباتی برخوردار شده‌اید: رفیق سید ابراهیم همچون گذشته نقش آکتر پشت پرده و سانتر را بازی می‌کند؛ رفیق صلاح مازوجی در تلاش تئوریزه کردن مبانی فکری حفظ حکا است و شما را نیز چون فرمانده لشکر به میدان

جنگ فرستاده‌اند. اگر در این مبارزه بی‌امان پیروز شدید که فبها و این ظفر "همگی" (کاک سید ابراهیم و کاک صلاح) خواهد شد و اما وای به روزی که شما نافرجام شوید؛ در آن صورت شکست فقط مال شما خواهد بود.

در ضمن دوست عزیز، قراری که گویا کمیته مرکزی صادر نموده و شما از آن نقل قول آورده‌اید، عذر بدتر از گناه است: مطمئن هستم، اگر کسی از وجود چنین "قراری" برایم می‌گفت، بدون مکث می‌گفتم که "شایعه است؛ چنین چیزی امکان ندارد!" لطفا مرا از هتاک‌های برحذر دارید، اما این کلام شما مرا یاد یکی از جملات مشهور شاه آورد که به مضمون گفت، هر کس که می‌خواهد سیاست کند، وارد حزب رستاخیز شود، در غیراینصورت، یا خفه خون بگیرد و یا ایران را ترک کند. تازه گیها رئیس حکومت بغایت "دمکراتیک" (!! ترکیه هم در ارتباط با حق خواهی کردها و هویت مستقل کردی از همچون فرمایشات داهیان‌های داشته است.

کاک حسن گرامی، اینقدر هم با استناد به "اساسنامه" از دیگران سلب حقانیت نکنید. فراموش نکنید که حکومت‌های خودکامه با استناد به همین مبانی (قانون اساسی) است که احزابی چون حزب شما را "منحله" و غیرقانونی (!) اعلام می‌کنند. از شما انتظار می‌رود، قدری خویشتنداری کنید و از خودستایی‌ها و خودبزرگ‌بینی‌های محیرالعقول پرهیز کنید، البته اگر می‌خواهید مردم شما را جدی بگیرند.

رفیق رحمان‌پناه، در نوشته‌ی مورد بحث، شما تلویحا و مستقیما مخاطبان خود را به بی‌بضاعتی متهم نموده‌اید. تاجایی که به یاد دارم، قریب ۴-۵ سال پیش حزب شما را در ارتباط با بحث فدرالیسم به دیالوگ دعوت نمودم، درحالیکه از انجام چنین بحثی سرباز زده‌اید و مونولوگ را به آن ترجیح داده‌اید. تا کجا آمادگی انجام این گفتگو را دارید؟ آیا حاضرید این بحثها را در ارگانتان انعکاس دهید و یا در "جهان امروز" و فردای شما تنها مجاز است که در مخالفت با آن نوشت و دنیای "پیشرو" شما دگراندیشی نمی‌شناسد؟

با درود

۱۳ دسامبر ۲۰۰۸

ناصر ایرانپور